

بررسی مسجد - مدرسه‌های وقفی «جامع» و «آقاعباس» در بافت مرکزی شهر آمل

دکتر شهرام یوسفی فر*

معصومه یدالله‌پور**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۱۸

چکیده

آمل، یکی از شهرهای کهن ایران است که پیشینه شهرنشینی در آن، به دوره‌های پیش از اسلام برمی‌گردد. در این مقاله، سعی بر آن است تا با به دست دادن پیشینه‌ای از شهر آمل و موقعیت آن در دوره‌های مختلف تاریخی، دو عنصر از عناصر مهم مذهبی این شهر را - که در بافت کهن قرار دارد - معرفی کنیم. این دو عنصر - که مسجد جامع و مسجد آقاعباس نام دارد - از لحاظ کارکردی، در ترکیب با فضای یک مدرسه ساخته شده است و به صورت همزمان کارکرد مسجد و مدرسه داشته است. با تکیه بر منابع تاریخی و سفرنامه‌ها، این دو مسجد را معرفی کردیم و براساس وقفنامه‌های آن، وضعیت موقوفه‌ها، واقف و موارد مصرف آن را مشخص ساختیم تا جایگاه آن را در شهر آمل در گذشته بیان کنیم.

کلید واژه‌ها:

آمل / مساجد / مدارس / مسجد جامع / مسجد آقاعباس / وقفنامه ها / موقوفه ها

* دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. shyousefifar@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی. masoom8227@yahoo.com



اشاره

این مقاله، به معرفی دو مسجد از مساجد معروف و تاریخی شهر آمل اختصاص دارد. در ابتدا، پیشینه‌ای از شهر آمل بیان می‌شود. آن‌گاه مساجد معروف شهر معرفی می‌گردد. بعد دو مسجد و مدرسه آقاعباس و جامع، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نقش وقف را در سیمای فیزیکی و کالبدی شهر آمل، مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از آن، عکس وقفنامه همراه با نام واقفان و موقوفه‌ها آورده می‌شود و در آخر، برای درک بهتر از موقعیت این عناصر فرهنگی - اجتماعی در منطقه شهری کهن آمل، پلان، عکس و نقشه مساجد، و نیز تصویری از شرایط قرارگیری و موقعیت آن‌ها همراه با بازنوشت اسناد، با عنوان «پیوست» می‌آید و منابع مورد استفاده، ذکر می‌شود.

ویژگی‌های اسناد موردنظر، از جهات مختلف درخور تأمل است. به عنوان مثال، بخش مهمی از شهر آمل در آتش‌سوزی بزرگ ۱۳۳۵ ق. تبدیل به خاکستر شد و در آن میان، وقفنامه‌های مهم اماکن مختلف وقفی از میان رفت. تنها به دلیل اهمیت نهاد وقف در زندگی مردم شهر و نیز، اهتمام دست‌اندرکاران امر به تداوم نهادهای مذهبی در شهر بود که بار دیگر رونوشت وقفنامه‌هایی تهیه شد و مبنای عمل قرار گرفت.

از این رو، انتشار این رونوشت - که در شرایط خاص تاریخی یاد شده صورت گرفت - از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان براساس آن، بافت تاریخی شهر و بازار و دیگر عناصر مذهبی و کالبدی منطقه مرکزی شهر آمل را، پیش از آتش‌سوزی مخوف سال ۱۳۳۵ ق. ترسیم کرد. همچنین، چگونگی تهیه رونوشت از نسخه اصل وقفنامه‌ای که بظاهر از دسترس خارج شده بود و چگونگی مسجل کردن آن از نظر سندشناسی و نقد تاریخی نیز، واجد اهمیت بسیار است.

مقاله حاضر، ضمن ارائه دو سند تاریخی در مورد این شهر، نکاتی را در مورد ملاحظات سندشناسی و تحلیل اطلاعات تاریخی در اسناد شرعی برای درک دگرگونی‌های روی داده در مناسبات شهری چون آمل، مطرح می‌سازد.

پیشینه شهر آمل

ابن اسفندیار، در مورد بنای شهر آمل چنین آورده است: «... مهندسان بیامند و بنیاد شهر، بدین موضع - که «اسبانه‌سرای» می‌گویند - فرو نهادند، و اول آن جایگاه را «ماته» گفتندی چون شهر را بنیاد نهادند، باروی حصار از خشت پخته کردند. چنان که سه سوار، همبر برفتندی و خندقی ژرف، گرداگرد شهر بردند، عمق سی و سه ارش به ارش مساحان و عرض یک تیر پرتاب و قعر یک بدست [؛ وجب] و چهار در بر این حصار نهادند: باب جرجان، باب گیلان، باب الجبل، باب البحر خواندندی و مساحت زمین، چهارصد گری زمین بود» (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۷۱)

ظهیرالدین نیز، در تاریخ خود نوشته است: «... چون سید را، حق تعالی نصرت و فرصت کرامت فرمود ...، آمل و ساری جار انداخت و مردم بسیار جمع گشتند و بنیاد خندق فرمود کردن و خندقی عظیم، در طول و عرض و عمق، در زمان اندک حفر کردند و بر سر آن، از خشت پخته و ساروج و گل، برج‌ها و دیوارها ساختند و در درون قلعه، کوشک و خانه و عمارت عالیه بنیاد نهادند و حمام و سایر عمارات ضروریه فرمود ساختند و چاه آب، فرمود تا حفر کردند و در بیرون قلعه، بنیاد شهر و بازار و حمام و مسجد طرح انداختند» (مرعشی، ۱۳۶۳، صص ۳۷۸-۳۷۹)

براساس اشارات تاریخی، شهر آمل، در دوره ساسانیان مرکز طبرستان بوده است. دمرگان، از آثار باستانی بر دیواره مسیر قدیمی رودخانه هراز و رایینو، از پیدا شدن آجرهایی برابر $۱/۵ \times ۴۰ \times ۴۰$ سانتیمتری یاد کرده که به نام آجرهای گبری معروف بوده‌اند. این آجرها، نمونه آجرهایی است که در قلعه ساسانی تورنگ تپه در گرگان به دست آمده است. (کیانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۹۶)

ساخت و سازمان فضائی شهر آمل در دوره ساسانی، شامل ارگ، شارستان، بازار، برج و بارو، دروازه شهر و سواد بود. به نظر می‌رسد الگوی ساخت و سازمان فضائی شهر آمل در دوره بعد از اسلام نیز تداوم یافت، و البته از تغییراتی چند برخوردار شد. مسجدجامع، به ساخت

آن، ظرایف و خرادها می‌تراشند و به همه دنیا می‌برند. بیش‌تر طعام ایشان، نان برنج است و ماهی فراوان باشد و سیر، بسیار خورند. نارنج و ترنج و ریاحین را حساب نیست از بسیاری و نیکویی، و چهارپایان فراوان و نعمت‌های بی‌قیاس! اما از مجاورت دریا، هوای ایشان عفونتی دارد...» (جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸)؛ و از همه طبرستان ابریشم خیزد، خاصه به آمل. (اصطخری، ۱۳۴۷، ص ۷۲)

در دوره بعد از اسلام، آمل یکی از مراکز مهم تولید ابریشم بود. پارچه‌های مخمل و پشم در آن‌جا بافته می‌شد و دیگر صنایع دستی در آن‌جا رواج داشت و ظروف و بشقاب‌های چوبی هم در آن‌جا تولید می‌شد (بارتولد، ۱۳۷۵، ص ۳۹)؛ به گونه‌ای که منابع ایتالیایی قرون سیزدهم میلادی، ابریشم آمل را یکی از انواع ابریشم‌های خام صادر شده از ایران برای کارگاه‌های بافندگی شهرهای ایتالیا دانسته‌اند. (پطروشفسکی، ۱۳۶۶، ص ۳۰)

بیهقی نیز، در مورد این شهر نوشته است: «... پیش از تعبیه لشکر در شهر رفته بودم. سخت نیکو شهری دیدم. همه دکان‌ها درگشاده و مردم شادکام ...» (بیهقی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۷۹)

در *نزهة القلوب*، آمل این‌گونه آمده است: «آمل، از اقلیم چهارم باشد. طولش از جزایر خلدات فرک و عرض آن، از خط استوا! اول طهمورث ساخت. شهری بزرگ است و هوایش به گرمی مایل و مجموع میوه‌های سردسیری و گرمسیری از لوز و جوز و انگور و خرما و نارنج و ترنج و لیمو و مرکب غیره فراوان باشد و مسمومات بغایت خوب و فراوان! چنانچه اگر شهر بند شود، هیچ چیز از بیرون احتیاج نباشد.» (مستوفی، بی‌تا، ص ۱۶۰)

ملگونف نیز، در سفرنامه خود، اهالی آمل را بازرگانانی برشمرده که چیت‌ها و جانمازهای ممتازی با خود به این سو و آن سو می‌بردند. (ملگونف، ۱۳۶۴، ص ۱۲۵) در ۱۳۲۶ق. رابینو، آمل را دارای دو هزار خانه، نه برزن و چهارصد باب دکان دانسته که در عرض نود سال جمعیت آن بیست و دو بار کاهش یافته است. با آن‌که بر

شهر افزوده شد و به دلیل رشد و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و نیز رشد جمعیت از گسترش کالبدی بیش‌تر از گذشته برخوردار شد. مقیاس شهر، به لحاظ گسترش فعالیت‌هایی در بخش ریض نیز، وسیع‌تر از گذشته شد. بر این اساس، سابقه شکل‌گیری و کارکرد بازار، به دوره ساسانی برمی‌گردد و بازار، از ارکان اصلی شهر به شمار می‌رفت.

موقعیت اقتصادی و اجتماعی شهر در دوره‌های تاریخی

در *حدودالعالم*، آمده است: «شهری است عظیم و قصبه طبرستان است و او را شهرستانی است با خندق بی باره و از گرد ریض وی است و مستقر ملوک طبرستان است و جای بازرگانان است و خواسته بسیار است و اندر وی، علما بسیارند به هر علمی، و آب‌های روان است سخت بسیار و از وی، جامه کتان و دستار خیش و فرش‌های طبری و حصیر طبری و چوب شمشاد خیزد، کی به همه جهان جائی دیگر نبود و از وی، ترنج و نارنج خیزد و گلیم سپیدپوش و گلیم دیلمی زربافت و دستارچه زربافت گوناگون و کیمخته خیزد و از وی، آلات‌ها [ی] چوبین خیزد، چون کفچه و شانه و شانه نیام و ترازو خانه و کاسه و طبق و طیفوری و آنچه بدین ماند.» (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۲، صص ۱۴۵-۱۴۶)

ابن حوقل، آن را از قزوین بزرگ‌تر دانسته که دارای بناها و عمارات درهم آمیخته و از نواحی دیگر قدیمی‌تر و بزرگسال‌تر است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۲۳)

در نیمه قرن چهارم قمری، جیهانی در مورد شهر آمل چنین گزارش کرده که آمل، بزرگ‌ترین شهر طبرستان است و «جای نشست پادشاهان است.» و «با نعمت بسیار و آب‌های بسیار و میوه‌های کوهی و دشتی بی‌حساب. بناهای ایشان، از چوب و خشت و نی و بوریا، و باران، آن‌جا مدام می‌بارد و بام‌های ایشان، بر شکل کوهان شتر به جهت مداومت باران. بیش‌تر ابریشم - که به همه آفاق می‌برند - از طبرستان است و بدان‌جا چوبی است که از

اثر وقوع زمین لرزه و طغیان‌های مکرر رود هراز، به آمل آسیب‌های فراوانی وارد شده، اما رایینو گزارش می‌دهد که همچنان آن شهر، یکی از آبادترین شهرهای مازندران بوده است و همچنان به داشتن چهار دروازه، به خود می‌بالیده است. (سعیدیان، ۱۳۷۹، ص ۷۳)

با توجه به این که سده‌های سوم، چهارم و پنجم، عصر احیای سبک کهن ایران در معماری، زرگری، قالیبافی و کوزه‌گری می‌باشد، کارگاه‌های مهم کوزه‌گری ایران، در شهرهای آمل و ری دایر بوده است. (بهنام، ۱۳۴۶، ص ۳۰) شهر آمل، در ۱۲۶۰ ق. در شرایط مطلوبی قرار نداشته است. هولمز، تصویر ناگوار زیر را از شهر به دست داده است: «آمل، اکنون شهری است بغایت ویران که از هر سویش، در و دیوار شکسته به چشم می‌خورد. خانه‌ها، اکثراً از آجر ساخته شده اما در بسیاری نقاط، این آجرها فرو ریخته و به شکل تل‌هائی از زباله درآمد است. معابر شهر، بسیار کثیف است و پای عابر تا زانو در گل و لای فرو می‌رود.» (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، ص ۱۸)

در دوره قاجار، اعتمادالسلطنه در باب محصولات تولیدی آمل، گزارش داده که در آن جا «سجاده و فرش‌های بزرگ بسیار ممتاز» می‌یافتند و «هیچ حاجتی به هیچ بلدی ندارد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷) در آن دوره، آمل معدن آهن بسیار خوبی داشته است. وی، اشاره کرده که «شهر آمل، بسیار مستعد است و با اندک توجه و خرجی، می‌توان آن را به بهترین شهر ایران تبدیل کرد»؛ بویژه پس از احداث «راه تازه» ای که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شده، نوید آینده‌ای بهتر برای اقتصاد این شهر داشت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰)

بافت مرکزی شهر آمل

بررسی ساختاری شهرهای کهن ایران بویژه آمل، در موارد متعدد حاکی از وجود نظامی استوار در سازمان فضائی و عملکردی این شهرهاست و دارای استخوان‌بندی مشخص از عناصر و عملکردهای اصلی شهری مانند بازار، مسجد

جامع، ارگ حکومتی، محلات مسکونی، فضاهای شهری (میدان و مراکز محلات) و... بوده است. این عناصر و فضاهای شهری، با وحدت و انسجام خود در شکل‌دهی به مجتمع‌های زیستی، نقش اساسی داشته‌اند.

مهم‌ترین عوامل درونی شکل بافت تاریخی آمل، بازار آن است که با دربرداشتن عناصر کالبدی باارزش در درون خود، از ارکان و هسته‌های اولیه تشکیل‌دهنده شهر است؛ به گونه‌ای که عناصری چون مسجد جامع، تکایا (تکیه مشائی محله، تکیه هاشمی، و تکیه آملی)، مسجد آقاعباس، مسجد یا تکیه امیری، مسجد حاج علی کوچک (سابق)، مسجد امام حسن عسکری، حمام و بعضی از فعالیت‌های اداری، همراه با واحدهای تجاری، در کنار راسته اصلی بازار تشکیل یافته است.

این بازار - که در مواردی دستخوش رشد شتابزده و نوسازی غیرمنطقی گردیده است - همواره از نظر کارکردی هیچگاه پویائی خود را از دست نداده و همبستگی‌اش را با محلات مسکونی مجاور، در نقش عامل مهم ارتباطی در تسلسل و انسجام فضاهای شهری، به میزان چشمگیری حفظ کرده است.

بازار در هسته قدیمی شهر آمل، به مانند دیگر شهرهای ایران، تنها به فعالیت اقتصادی اختصاص ندارد، بلکه اصلی‌ترین مسیر ارتباطی و خدماتی شهر کهن و ستون فقرات آن به شمار می‌آید. (مشاور رهرو، ۱۳۸۵، ص ۸۶)

مساجد و مدارس معروف شهر آمل

● مسجد و مدرسه هاشمی

این مسجد، در راسته نمدمالان، در شاهانداشت محله واقع، و به همت سادات شاهانداشتی، به سال ۱۲۵۲ ساخته شده است و دارای ۱۳ حجره بوده که در برخی از آن‌ها، طلاب علوم دینی، به تحصیل مشغول بوده‌اند. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۱۰)

اما بنابر گفته ستوده، مسجد قدیمی را خراب کرده بودند و داشته‌اند مسجد نوساز نیمه‌تمامی به جای آن می‌ساخته‌اند. (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، ص ۶۰)

● مسجد حاج علی کوچک

این مسجد، در شاهانداشت محله، روبه‌روی حمام اشرف، با فاصله کمی از راسته بازار قرار داشت و دارای هفت حجره بود که در یکی از آن حجره‌ها، مکتبخانه‌ای دایر بوده است. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۹)

ستوده، در این زمینه نوشته است: این مسجد، شامل حیاطی مستطیل شکل است که سه طرف غربی، شمالی و جنوبی آن ساختمان دارد. شبستان مسجد، در ضلع جنوبی حیاط است. در طول شبستان، در وسط هشت فیلیپای آجری است که روی آن‌ها را با گچ، سفید کرده‌اند. بانی آن، حاجی علی آملی بود که مسجد به نام وی نامیده می‌شد. (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، صص ۵۷-۵۸)

مهجوری، از این مسجد به صورت مسجد جامع حاج علی کوچک نام برده است. (مهجوری، ۱۳۴۵، ص ۳۴۷) در حال حاضر، اثری از این مسجد نیست و به طور کامل تخریب شده است.

● مسجد امام حسن عسکری

این مسجد در کاشی محله، خیابان هادی‌زاده، میدانچه امام حسن عسکری واقع شده است و دارای ده حجره تختانی و فوقانی بدون طاب بوده است. تاریخ بنای مسجد، معلوم نیست. تصور می‌شود از وجوهات سهم امام حسن عسکری ساخته شده باشد و یا به قولی، حسن بن علی ناصر کبیر، آن را در سده سوم قمری ساخته است. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۹)

در ترجمه فارسی ملگونف، بنای این مسجد به هارون‌الرشید نسبت داده شده است. (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، ص ۵۹)

● مسجد سبزه میدان

این مسجد، دارای ۲۱ باب حجره می‌باشد که مرحوم غلامرضا آملی، آن را در سال ۱۲۹۳ق. ساخته است (علامه، ۱۳۳۸، ص ۱۱). در حال حاضر، به مسجد آیت‌الله حسن‌زاده آملی معروف است.

● مسجد میرزا محمدعلی یا مسجد نیاکی

این مسجد در نیاکی محله، خیابان جوادی آملی، شمال حسینیه ارشاد، واقع شده است. دیوار شمالی مسجد، شامل چهار فیلیپاست که دو فیلیپای آن، در دیوارهای شرقی و غربی قرار دارد. فواصل فیلیپاها را، اتاق‌هایی تشکیل می‌دهد که دارای پنجره‌های چوبی با خفنگ‌های جنایی است. دو فیلیپا به ابعاد ۱۱۰ سانتیمتری در وسط مسجد، در یک امتداد قرار دارد. این مسجد، متصل به تکیه نیاکی است. (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، ص ۸۸)

مهجوری، از این مسجد به دو صورت کوچک و بزرگ یاد کرده است. (مهجوری، ۱۳۴۵، ص ۳۴۸)

کتیبه‌ای بر روی محراب آن قرار دارد که به خط نستعلیق، واقف و تاریخ وقف مسجد تکیه نیاکی بر آن حک شده است (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، صص ۸۸-۸۹) که میرزا محمدعلی را واقف مسجد و تکیه نیاکی بر شمرده، در حالی که علامه محمدعلی را، بانی مسجد کوچک دانسته که آن را به سال ۱۲۵۵ق. ساخته است و ابراهیم ایمانی را، بانی مسجد بزرگ شمرده که به نظارت جلیل نیاکی در سال ۱۳۱۰ش. بوده است. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۹)

● موقعیت مساجد جامع در بافت اصلی شهرهای

ایرانی

نقش مسجد جامع به عنوان مهم‌ترین مرکز دینی، اجتماعی و سیاسی در زندگی شهری، موجب شد تا در بیش‌تر شهرهای بزرگ و مهم، در کنار مهم‌ترین راه درون شهری قرار گیرد که اغلب به یک یا دو دروازه مهم شهر متصل بود و بازار نیز در داخل آن شکل می‌گرفت (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۸) و چون رکن اصلی قدرت مذهبی شهر به شمار می‌رفت، جدا یا با فاصله زیاد از بازار قرار نمی‌گرفت.

مسجد جامع، برخلاف مساجدی که از قرن یازدهم هجری در ایران رواج یافت، بیش‌ترین رابطه مستقیم را با بافت مسکونی از یکسو و با بافت بازرگانی - خدماتی از سوی دیگر برقرار می‌کرد. (فلامکی، ۱۳۶۵، صص ۱۲۹-۱۳۰)

در طبقه‌بندی مساجد کشور، مسجد جامع آمل هم جزو معتبرترین مسجدهای شهر به شمار می‌آید که هم نماز جمعه در آن برگزار می‌شود، هم از جمله مساجدی بود که فضای آن در ترکیب با فضای مدرسه ساخته شده است. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ص ۳۴) به نظر می‌رسد، این شهر در گذشته دارای دو یا سه مسجد جامع بوده است.

مفهوم مسجد - مدرسه در ایران

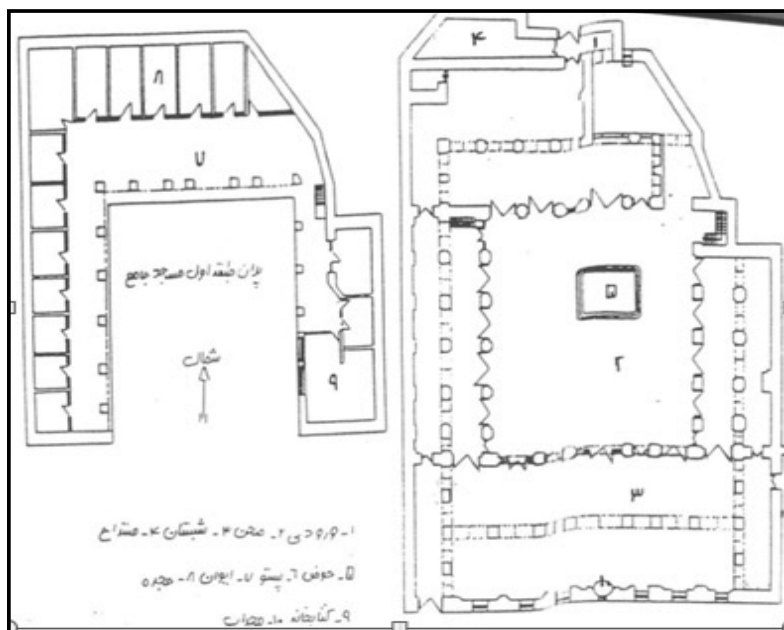
با توجه به این که دین اسلام تنها دین عبادت و پرستش نبوده و نیست و حوزه نفوذ احکام و قوانین آن، شامل همه ابعاد و عرصه‌های زندگی فردی و جمعی بوده و هست، مسجد نیز تنها ویژه عبادت نبوده، بلکه علاوه بر جلسه‌های وعظ و ارشاد، مجالس درس نیز در آن تشکیل می‌شده است. حتی پس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری - که فضای مدرسه به صورتی جدا از مسجد پدید آمد - همواره در برخی از مسجدها تدریس علوم مذهبی تا دهه‌های اخیر ادامه داشته است. علاوه بر این، اغلب مسجدها سنگر مبارزه اجتماعی مردم علیه حاکمان جبار و کانون تجمع مردم در هنگام خوف و اضطراب بوده است. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵، صص ۲۶۵-۲۶۶)

مساجد از نظر دامنه، تنوع و حوزه کارکردی، به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

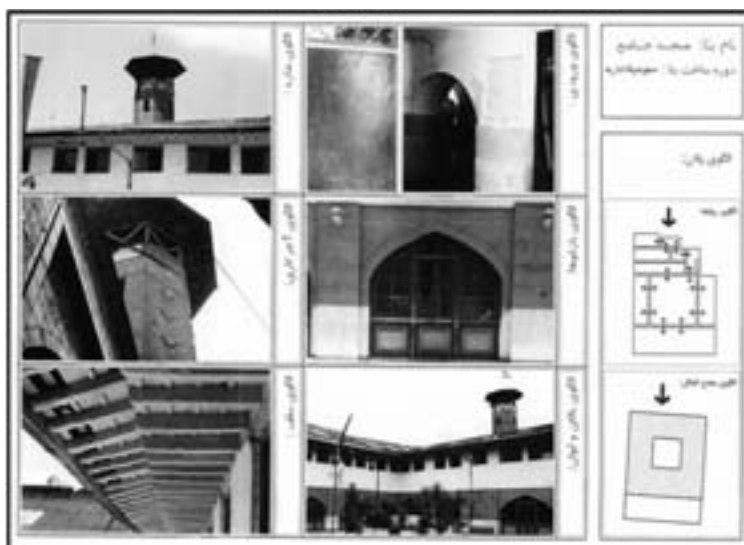
۱. مسجدهای جامع و مسجدهای بزرگ که به دست و دستور پادشاهان، وزیران و حاکمان ساخته شده‌اند؛
 ۲. مسجدهای متوسطی که به همت بزرگان محلی، علما یا مشارکت عمومی ساخته می‌شده است؛
 ۳. مسجد - مدرسه‌ها؛
 ۴. مسجدهای بسیار کوچک که عمده‌ترین و شاید تنها کارکرد آن‌ها، جنبه عبادی است.
- با وجود آن که تعداد مسجد - مدرسه‌ها بسیار اندک و انگشت‌شمار است، اهمیت آن‌ها از جهت کارکردهای عبادی و آموزشی، به صورت همزمان و به موازات یکدیگر، بخشی از فضای کالبدی را به خود اختصاص داده است. مسجد - مدرسه آقابرگ در کاشان و مسجد - مدرسه سید در اصفهان، از بارزترین نمونه‌های این دسته از مسجدهاست. (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵، صص ۲۶۶-۲۶۷)

مسجد - مدرسه‌های آمل

از مهم‌ترین مسجد - مدرسه‌های شهر آمل، می‌توان به مسجد - مدرسه جامع آمل، مسجد - مدرسه آقاعباس



مسجد و مدرسه جامع آمل
(مأخذ: طرح ساماندهی بافت قدیم بازار آمل)



الگو و نمای مسجد جامع آمل
(مأخذ: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مازندران، ۱۳۸۵، ص ۷)



موقعیت مسجد و مدرسه جامع آمل

دانسته و به هارون الرشید نسبت داده‌اند. سید ظهیرالدین مرعشی گفته: در سال ۸۸۱ق. کسانی از نسل عثمان بن نهیک (بانی مسجد)، از لار قصران برای تعمیر آن آمدند. بخش غربی مسجد، بر اثر زلزله خراب شد و در سال ۱۲۲۵ق. آن را آقا علی اشرف مشائی و حاجی گرشاسب تعمیر کردند. در عهد فتحعلی شاه قاجار، در ۱۲۲۵ق./ ۱۸۱۰م. مرمت گردید. (رایینو، ۱۳۶۵، ص ۷۲) این مسجد در ۱۳۲۸ش. بیست باب حجره طلبه‌نشین

و مسجد - مدرسه هاشمی اشاره کرد که در محله یا محلات بازار واقع شده است. از لحاظ معماری، طبقه بالای مسجد، به صورت مدرسه می‌باشد که در آن علوم دینی تدریس می‌شود.

معرفی مسجد و مدرسه جامع آمل

مسجد جامع آمل، در محله مسجد جامع (یا کاردرگر محله سابق) قرار گرفته است. بنای آن راه در ۱۷۷ق./ ۷۹۳م.



کتیبه نصب شده بر سر در ورودی مسجد و مدرسه جامع آمل

چیده و کعبتین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت کونین به نقش شش جهت گردیده، گنجور گنجینه وجود به مؤدای حقانیت اقتضای «قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدير»، درهم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار و زردهی پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار را جهت این دودمان خلافت و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی، در کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته، جهت سپاس این عارفه بی قیاس و ادای شکر این عطیه محکم اساس، درین عهد سعادت مهد - که عذرای دولت روزافزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت مانوس و اوان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است - همت صافی طویت معدلت گستر و

با موقوفات بسیار داشت. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۸) مسجد، صحنی مربع شکل دارد که چهار طرف آن ساختمان دو طبقه است. دو سنگنبشته از جنس مرمر، به ابعاد ۶۰×۷۰ سانتیمتر با خطی خوش و انشائی ادیبانه، در مدخل این مسجد بر دیوار نصب است. این دو فرمان - که در واقع یک فرمان است - در سال ۱۱۰۵ ق. از شاه سلطان حسین صفوی خطاب به وزیران و داروغگان مازندران است. (علامه، ۱۳۲۸، صص ۸-۹)

این عبارات، بر آن دو سنگ حک شده است: هو

«حکم جهان مطاع شد، آن که وزیر و داروغگان مازندران بهشت نشان، به شفقت بلانهایت شاهانه مفتخر و مباهی بوده، بدانند که چون از هنگامی که مهره انجم بر تخته زرنگار فلک آگون سیماب نمون به دست قضا

ضمیر منیر مهر اضانت شریعت پرور به حکم آیه «وافی هدایه الذین مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر»، به اجرای اوامر و نواهی خالق کل و خاتم انبیا و رسل به فحوای صدق انتمای «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون»، معطوف و مصروف داشته، امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت که مضمون بلاغت مشحون «قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن» پردگیان پرده‌گشای پرده‌نشین و شاهدان چهره‌نمای خلوت‌گزین بوده، به انامل عصیان، نقاب بی‌شرمی از رخسار عفت باز نموده، دامن زن آتش غضب دادار بی‌نیاز نگرداند و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعادة ابقان، به مضمون حقیقت نمون «یا ایها الذین آمنوا انا الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون»، دست به آلت قمار دراز نکرده، قبل از آن که شطرنجی روزگار، ایشان را در روز ممات مات نماید و فیل بند حیرت و هیمنان هنگامه عرصات ساخته، معلوم شود که آنچه برده، درباخته‌اند سالک طریق اجتناب بوده، به هیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالک محروسه - که بهای خطیر می‌شد - به تخفیف و تصدق فرق فرقدسای اشرف مقرر فرمودیم و درین ابواب صدور عظام و علمای اعلام و فقهای اسلام، وثیقه انیقه علیحده مؤکد به لعن ابدی و طعن سرمدی، موشح و مزین به خط گوهر نثارهمایون است، به سلک تحریر کشیده‌اند، می‌باید که آن وزارت پناه و داروغگان مزبور، بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع، لازال نافذاً فی الاقطاع و الارباع، مقرر دارند که در کل محال متعلقه به خود، ساکنین و متوطنین به قانون از هر شریعت غرا و طریق اطهر ملت بیضا، ناهج منهج صلاح و سداد بوده، مرتکب امور مذکوره نگردند و بدکاران را در حضور اهالی شرع شریف و کلانتران و ریش‌سفیدان محلات، توبه داده، مرتکبین امور مزبوره را تنبیه و تأدیب و التزام بازیافت و هرگاه اشتغال به این افعال ذمیمه نمایند، بر نهج شرع مطاع، حد جاری و مورد

مؤاخذه و بازخواست سازند و چنانچه احدی به اعمال شنیعه دیگری مطلع گشته، اعلام نماید، آن شخص را به نوعی تنبیه نمایند که باعث عبرت دیگران گردد. آن وزارت پناه و داروغگان مزبوره، به علت وجوهات مزبوره، چیزی دریافت نموده، نگذارند که آفریده بدان جهت دیناری طمع و توقع نماید و خلاف‌کننده، از مردودان درگاه الهی و محرومان شفاعت حضرت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه دین - صلوات الله علیهم اجمعین - و ملائکه آسمان و زمین باشند و اهالی و اوباش را نیز، از کبوترپرانی و گرگ‌دوانی و نگاه داشتن گاو و قوچ و سایر حیوانات جهت جنگ و پرخاش - که باعث خصومت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است - ممنوع ساخته، سد آن ابواب را از لوازم شمردن و دقیقه [ای] در استحکام احکام مطاعه و اشاعت و اجرای اوامر شریفه، فرو گذاشت نمایند و از جوانب برین جمله روند و رقم قضا شمیم معدلت مضمون را، بر عموم خلائق خوانده، بر سنگ نقش و در مساجد جامعه نصب نمایند و درین ابواب قدغن دانسته، هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند. فی شهر شوال سنه ۱۱۰۶، محمدابراهیم الهمدانی. (ستوده، ۱۳۶۶، صص ۶۷-۷۰)

ابن اسفندیار، بر آن بوده که مسجد جامع آمل، در عهد هارون الرشید به سال ۱۷۷ق. به دست عثمان بن نهیک ساخته شده است. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹)

اما مرعشی، عبدالله بن قحطبه را بانی این مسجد شمرده. (مرعشی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۱)

حال آن مسجد، همین مسجد فعلی باشد یا خیر، جای بحث است! منوچهر ستوده، پس از واری اخبار مربوط به مسجد جامع، بیان کرده که ظاهراً آمل دارای دو مسجد جامع قدیم (احدائی ابراهیم بن عثمان بن نهیک) و جدید (احدائی فرقه مالکی) بوده است. (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، ص ۶۶)

به روایت ظهیرالدین مرعشی، در مقصوده شرقی مسجد، گور شهدائی وجود داشته که در عهد طاهریان، صاحب اعتبار بوده و با داعی کبیر مخالفت نموده و به





ورودی مسجد و مدرسه جامع آمل

دست وی کشته شده‌اند. مردم آمل، آن مقصوره را، به عنوان مقبره شهدا زیارت می‌کنند. (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب، ص ۶۶)

در واقع مسجد جامع آمل، دارای دو مسجد بزرگ و کوچک و ۲۰ حجره برای طلاب بوده است. (علامه،

۱۳۲۸، صص ۸-۹؛ مهجوری، ۱۳۴۵، ص ۳۴۷)

این مسجد، بر اثر آتش‌سوزی سال ۱۳۳۵ق. در آتش سوخت. (وقفنامه) بنابراین، متولیان مسجد، از محل موقوفات آن - که بسیار زیاد است - آن را از نو ساختند.

موقعیت کنونی مسجد و مدرسه جامع آمل

مسجد جامع آمل، در گلباغ محله، در مجاورت بازار چهارسوق واقع شده است. بنای مسجد و مناره آن، به نقوش و گچبری‌های زیبایی مزین است که می‌توان آن را نماد اصلی مسجد به شمار آورد. فضای این مسجد، شامل هشتی ورودی، صحن، شبستان، وضوخانه و حجره است. ساماندهی مسجد، به صورت حیاط مرکزی است. مسجد جامع آمل - برخلاف دیگر مساجدی که دارای صحن است - فاقد ایوان می‌باشد و شبستان و مسجد در ضلع جنوبی صحن، بر روی حجره‌های طبقه دوم بنا شده است. در طبقه فوقانی آن، حجره‌هایی است که محل تحصیل طلاب علوم دینی می‌باشد. (مشاور رهرو، ۱۳۸۵، صص ۱۱۳-۱۱۴)

معرفی مسجد و مدرسه آقاعباس

مسجد و مدرسه آقاعباس، مربوط به ۱۱۴۴ق. / ۱۷۳۱م،



موقعیت مسجد و مدرسه آقاعباس



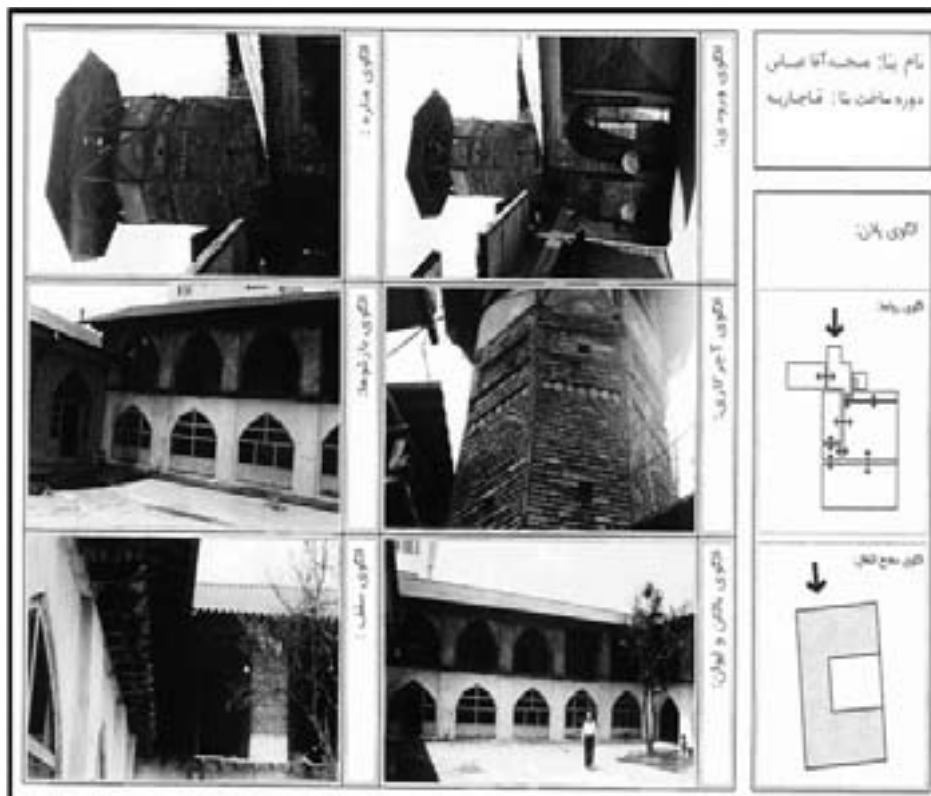
ورودی مسجد و مدرسه آقاعباس

در شرق کاردرگر محله، غرب بازار و تکیه مشائی واقع شده است. در سمت چپ در ورودی، مأذنه‌ای هشت ضلعی از آجر قرار دارد (ستوده، ۱۳۶۶، ج ۴، ب ۱، ص ۷۰). مهجوری، در تاریخ مازندران از این مسجد به صورت مسجد و مدرسه آقاعباس یاد کرده است. (مهجوری، ۱۳۴۵، ص ۲۴۸)

واقف و بانی آن، آقا محمدشاهرخ و میرزامحمد پریشان می‌باشد (وقفنامه). کار ساخت این بنا، در سال ۱۱۴۴ق. به دست آقاعباس پسر میرزامحمد به اتمام رسید. به همین دلیل، مسجد به نام وی نامیده شده است. (علامه، ۱۳۳۸، ص ۱۰) این مسجد، در سال ۱۳۳۵ق. دچار آتش‌سوزی شد. (وقفنامه)

موقعیت کنونی مسجد و مدرسه آقاعباس

این مسجد، از بناهای قرن سیزدهم قمری است که در کاردرگر محله، خیابان شهید مفتاح، جنب راسته اصلی بازار



الگو و نمای مسجد آقاعباس



قرار دارد. نمای این مسجد، آجر با اندود گچ است و سقف آن، دارای پوشش سفالی می‌باشد و در نوسازی‌ها، با ورق حلبی موجدار پوشیده شده است. ورودی این مسجد، از یک درگاه قوسدار مزین به کاشی‌هائی است که در مناطق مرکزی ایران متداول می‌باشد و دارای یک منار با مصالح آجری است. به علت تک منار بودن این مسجد و ارتفاع قابل ملاحظه آن و بافت نسبتاً همگن اطرافش، از فاصله صد تا دویست متری در بافت اطراف خود شاخص می‌باشد و اغلب کاربری‌های اطراف آن تجاری است.

مناره آجری زیبای آن، دارای پلان مربعی است که در ارتفاع بالا به هشت ضلعی تبدیل شده و با بندکشی آجرها بر روی وجوه جانبی آن، نقوشی از گل و سرو به وجود آورده است. گلدسته و سقف آن، با نرده‌های چوبی و چوب و سفال پوشیده شده است.

ترکیب حجمی این مسجد، همانند مسجد جامع به صورت حیاط مرکزی است که از سه طرف با بدنه مسجد و بدنه شرقی آن با بافت تجاری شکل گرفته است. ورودی آن، به صورت هشتی و صحن آن مستطیل شکل است. شبستان اصلی مسجد، در ضلع غربی و جنوبی حیاط قرار گرفته است و در دو ضلع شمالی و غربی‌اش، رواق‌هائی در طبقات ایجاد شده است که موجب غنای فضائی و کالبدی حیاط مرکزی است. این شبستان، با مصالح بومی (آجر و گچ) نوسازی شده و دارای شش ستون قطور آجری است. (مشاور رهرو، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴-۱۱۵)

تأثیر مؤسسات وقفی در پایداری بافت کالبدی شهر امل

وقف، یکی از ارزش‌های والای انسانی است که تحت‌تأثیر جهان‌بینی دینی اسلامی، نه تنها از نظر اجتماعی و اقتصادی کارکردهای بسیار مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری دارد، بلکه از نظر کالبدی نیز نقش بسیار مؤثری در شکل‌دهی ساخت فضائی شهرهای دوره اسلامی بویژه شهرهای ایران داشته است.

این تأثیر، به گونه‌ای است که اگر فضاهای عمومی و عام‌المنفعه - که بسیاری از آن‌ها در ساخت شهرهای سنتی ایران موقوفه‌اند - حذف شود، چیزی جز مجموعه‌ای پراکنده و گسسته از ساختمان‌های مسکونی و تجاری و در کل فضاهای خصوصی باقی نمی‌ماند. از این رو، از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر مانند مساجد و مدارس، حمام، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، روشنائی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری مانند بازارها و مجموعه‌های وقفی، مشاهده و پیگیری کرد. (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۶۹)

شهر امل، یکی از شهرهای سنتی ایران است که می‌توان تأثیر وقف را در سیمای طبیعی و کالبدی آن مورد بررسی قرار داد. این شهر با ساختار کهن خود، بیش‌ترین موقوفات را در استان مازندران به خود اختصاص داده است.

با توجه به این‌که ساختار اصلی شهر امل در گذشته بر محور بازار آن قرار داشته، بسیاری از عناصر دینی و اقتصادی شهر، در محله یا محلات بازار واقع شده است. بر این اساس، می‌توان موقوفات شهر امل را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، موقوفاتی است که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارد مانند مساجد، مدارس، ساختمان‌های مسکونی، قسمتی از بازارهای شهر، حمام و...؛ دسته دوم، موقوفاتی است که مستقیماً جنبه عمرانی ندارند بلکه کمکی است برای انسان‌های محروم جامعه مانند ایتم، معلولان، پیران، زمین‌گیران، مصارف خیریه، هزینه دانشمندان، دانشجویان و طلاب و... و در واقع وقف، تمامی آنچه را جامعه روستائی و شهری در بعد تأمین اجتماعی نیاز دارد، شامل می‌شود. (شفقی، ۱۳۷۶، ص ۳۷)

از این رو، در مناطقی که پدیده وقف گسترش یافته است، چهره جغرافیائی آن مناطق به طور کلی دگرگون شده است.

ارزش اطلاعات موجود در وقفنامه‌ها برای شناسائی کالبد شهر آمل پیش از آتش‌سوزی شهر

با توجه به این که عموم بناهای مذهبی مانند مسجد - مدرسه، تکیه، حسینیه، بسیاری از سازه‌های عمومی مانند کاروانسرا، حمام، منازل مسکونی و...، نهادهای اقتصادی مانند دکان‌ها و...، با تکیه بر نهاد وقف ساخته شده‌اند، می‌توان با بررسی اسناد به‌دست‌آمده، موقعیت آن‌ها را در ساختار فضائی شهر در دوره‌های مختلف روشن ساخت و با این که نهاد وقف، مطابق با احتیاجات آن دوره بوده است، در شناساندن وضعیت اجتماعی و اقتصادی هر شهر، کمک شایانی به ما می‌کند.

در آتش‌سوزی بزرگ ۱۳۳۵ق، شهر آمل همراه با تمامی عناصر زیرساخت شهری ویران گردید و شهر، در دوره انتقالی حساسی قرار گرفت. بنابراین، وقفنامه‌های به دست آمده از شهر آمل، از جنبه‌های زیر، دارای اهمیت بسیار است:

۱. شناسائی بسیاری از عناصر کالبدی شهر در طی ادوار مختلف تاریخی؛
۲. نقش وقف در برپائی و احیای مجدد شهر آمل؛
۳. پایداری تأسیسات دینی و نقش آن در برپائی نهادهای اقتصادی (بازار)؛
۴. بررسی وضعیت اجتماعی شهر آمل.

اهمیت مؤسسات وقفی، در پایداری زندگی اجتماعی شهر آمل، بعد از آتش‌سوزی بزرگ ۱۳۳۵ق.

وقف، یکی از احکام و اصول بسیار مهم در اسلام است که تأثیر بسیار سازنده‌ای در تشویق مردم به احداث بناهای مذهبی و عمومی داشته است. به گونه‌ای که واقف، با ساختن سازه‌های درون‌شهری، آن را وقف می‌کرد و برای تأمین هزینه‌های آن، موقوفه‌هایی در دیگر نقاط شهر، مزارع یا باغ‌هایی در آبادی‌های بیرون شهر اختصاص می‌داد. بر این اساس، می‌توان گفت: بناهای مهم مذهبی

- که به عنوان رقبه در نظر گرفته می‌شد - موقوفات بسیاری اعم از تجاری و غیرتجاری به آن‌ها اختصاص می‌یافته که بر این اساس، نقش مهمی در ساختار شهری ایفا می‌کرده‌اند.

با توجه به اسناد به‌دست‌آمده، بیش‌ترین موقوفه تجاری شهر آمل، در محله یا محلات بازار واقع شده است و بسیاری از این موقوفه‌ها - که به صورت دکان می‌باشد - وقف عناصر مهم مذهبی بازار چون مسجد جامع و تکیه مشائی است. بنابراین، می‌توان گفت: یکی از عوامل تأثیرگذار در تدوam نهادهای دینی و اقتصادی بر ساختار کالبدی شهر آمل، وقف است.

شایسته یادآوری است که یکی از عوامل مهم در برپائی شهر آمل بعد از آتش‌سوزی بزرگ ۱۳۳۵ق، همین نهاد وقف است. با توجه به این که مهم‌ترین ویژگی وقف، حفظ و استمرار بناست، می‌توان گفت: این نهاد، در تدوam تأسیسات دینی و اقتصادی آمل بویژه بازار آن، نقش بسزائی داشته است و می‌توان این احتمال را داد که اگر بسیاری از دکان‌ها و مساجد بازار وقفی نمی‌بود، بعد از آن آتش‌سوزی بزرگ یا هر رخداد دیگری، این بازار یا به عبارتی بخش مرکزی شهر، در موقعیت قبلی خود شکل نمی‌گرفت.

واقفین (مسجد جامع)

حاجی بزرگ مشائی، آقامصطفی قلی مشائی، آقامحمد حسن مشائی، آقاقربان مشائی، آقا ابوالقاسم مشائی، ورثه مرحوم حاجی غلامرضا آملی، فاطمه خانم والده آقا محمدحسن مشائی، امیر عنایت الله شاهاندرستی، حاجی محمد قلی بزرگ مشائی، عبدالحسین مشائی، حاج علی بزرگ مشائی، حاجی مهدی بزرگ، حاجی مهدی بزرگ مشائی، آقاعیسی، عبدالحسین مشائی، آقا حسن مشائی، واقف نوری، حاجی و شتاسب برادر و برادرزادگان، حاجی گرشاسب، حاجی محمد علی، حاجی صالح و حاجی ابراهیم، حاجی علی ثانی مشائی.





واقفان (مسجد آقاعباس)

کربلانی غلام آملی، ابوالحسن مرحوم حاج سید غلام آملی مشهدی علی، استاد عبدالعظیم، مشهدی علی اصغر آهنگر، مشهدی علی اکبر امیر دودانگی.

موقوفات (مسجد جامع)

دو باب دکان ۳۷ و ۳۹، نیم باب دکان مقابل زرگری جنب دکان صباغی، نیم باب دکان روبه روی کوچه مسجد آقاعباس، یک باب دکان ۷ متصل به دکان ۹، یک باب دکان ۵ متصل به دکان ۷، یک باب دکان ۳ متصل به دکان ۵، چهار دانگ و نیم دکان ۱ وصل به دکان ۳، یک باب دکان ۷۷ مقابل دکان ۸۰، نیم باب دکان چهارسوق مقابل دکان خبازی ۶۹، یک باب دکان ۵۱ وصل به کوچه هراز، دو دانگ دکان ۲۵ واقع در بالا میدانچه، یک باب دکان واقع در قریه هارون محله، یک باب دکان ۱ واقع در نورا، یک باب دکان ۳ وصل به ۱ در نورا، یک باب دکان ۴۰ وصل به مغازه آقاعبدالله، چند باب دکان نمدالی ۱۴ و ۱۶ جنب کوچه مسجد آقاعباس، یک باب دکان ۲۷ جنب کوچه، یک باب دکان ۷۱ وصل به دکان ۷۲، یک باب دکان ۶۸ وصل به دکان ۷۰، یک باب دکان کوچک ۵۴، نیم باب دکان خرابه متصل به ۱ تیمچه خرابه، نیم باب تیمچه خرابه مرحوم آقا سیدحسین عطار، دکان مقدس نیاکی طرف غربی و وصل به باغ تا دیوار مسجدجامع و خود پشت جامع دکان مزبور، یک باب دکان وصل به ۳، دو باب مغازه ساخته آقا حسین آقا نیاکی، سه دانگ و نیم دکان ۱۱ وصل به مغازه ساخته مرحوم کربلانی ابراهیم مشائی، یک باب دکان ۱۳ وصل به دکان ۱۱، یک باب دکان ۳۷ جنب درب مسجد، یک باب دکان ۳۰ وصل به مسجد، سه باب دکان جنب شرقی مسجد جامع، شش دانگ حریم طرف شرقی مسجد وصل به دواخانه آقا عباس نیاکی، شش دانگ مرتع موسوم به تجن رودبار تجن، شش دانگ تترستاق نور مقابل سیاه بیشه، نیم دانگ از شش دانگ لوتوک من مراتع تا کر نور یک بخته از دوازده بخته، سه دانگ مرتعان واقع در

تترستاق، سه دانگ مراتع کلوم سرور از دره اسفید و ابرقو به انضمام [ناخوانا] من محال تترستاق نور، شش دانگ قریه کرسه رز من محال اهلمرستاق، تترستاق نور، شش دانگ [ناخوانا] مقابل سیاه بیشه

موقوفات (مسجد - مدرسه آقاعباس)

دکان مسکونی واقع در پیش تکیه مشائی، دکان، دکان مسکونی، یک باب دکان سلمانی متصل به درب مسجد (به صورت مخروبه)، دکان مسکونی واقع در بازار چهارسوق، دکان، دکان مسکونی، یک تالار مرتع کنک واقع در دهلارستاق، یک تالار خورتاب سرا واقع در دنیلارستاق، مزرع و مرتع [ناخوانا] واقع در پائین بلده آمل قریه شش دانگی، مرتع واقع در کدوک.

وقفنامه‌ها

مشائی، بزرگ‌ترین طایفه واقف در آمل

ساکنان شهر آمل را، طایفه‌های متعددی تشکیل می‌دهد که یکی از آنها طایفه مشائی است. چنان‌که گفته می‌شود، این طایفه از مشای دماوند به آمل آمده و بدین نام نامیده شده‌اند. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۱۷)

تاریخ مهاجرتشان مشخص نیست. این طایفه خود را از نسل آقاشاهرخ و حاجی‌گشتاسب مشائی می‌دانند و تقسیم‌بندی تیره‌ای ندارند، اما به دلیل نیازمندی به مراتع نمارستاق به آن‌جا کوچیده و ماندگار شده‌اند. به همین دلیل مردم دهات نمارستاق را مشائی می‌نامند که روستاهای نمار، سوار، شیخ‌محله، پلریه، دیوران، امره، عبدالمناف، فیس، سلور، پنجاب، ذرور، دره‌کنار، اتاق‌سرا، کرچالک، کلری، کنا را شامل می‌شود. (ایاز، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱)

این طایفه، قبل از ظهور سلسله قاجار، از ثروتمندترین طایفه‌های مقیم آمل بودند و املاک و مستغلات بسیاری داشتند که در دوره قاجار، بسیاری از املاکشان بجز چند دهکده گرفته شد. (علامه، ۱۳۲۸، ص ۱۷)

وقفنامه مسجد و مدرسه جامع آمل

براساس این وقفنامه، حاجی وشتاسب مشائی و برادران او، از کسانی بوده‌اند که املاک و دکان‌هایی برای حفظ بنیان مسجد و مدرسه جامع آمل وقف کرده‌اند. با توجه به این که اصل سند - که از واقفان صادر شده بود - در آتش‌سوزی ۱۳۳۵ ق. از میان رفته بوده، به دستور حاجی شیخ عبدالحسین نوری، رئیس معارف و اوقاف آمل و لاریجان، نور و کجور، مدارک راجع به املاک موقوفه این طایفه را، از متولی آن جمع‌آوری کردند و بعد فهرست املاک موقوفه را در سند مزبور ثبت و درج نمودند و در حضور علما و بزرگان مشائی، در سال ۱۳۳۹ ق.، مهور و امضا کردند تا در موقع حاجت، حجتی باشد.

مسجد و مدرسه جامع آمل، از بناهای ثبت‌نشده بافت قدیم شهر آمل است. این رونوشت، در ۵ برگ تنظیم شده است که ۲ برگ آن، در واقع تکرار ۳ برگ دیگر است. این وقفنامه، در آرشیو ۲۵۵ نگهداری می‌شود.

درخور یادآوری است که اسناد به دست آمده درباره این مسجد نیز، مانند اسناد مسجد جامع، رونوشتی است که اداره اوقاف این شهرستان تنظیم کرده است. این اسناد، شامل دو برگ است؛ یک برگ آن در مورد واقفان این مسجد می‌باشد و دیگری، صورت موقوفات آن را دربردارد. این وقفنامه، در آرشیو ۲۲۰/۲ نگهداری می‌شود.

پیوست‌ها

الف - اسناد استنساخ شده از مسجد و مدرسه جامع آمل

[سند شماره ۱]:

بسم الله الرحمن الرحيم - بعد الحمد والصلوه؛ آن که چون مرحوم مبرور رضوان مکان، حاجی وشتاسب مشائی آملی و برادران آن مرحوم به توجهات حضرت حجت عصر - ارواحنا فداه - مقامات عالیة دارالبقا را به نظر آورده، بنیان مسجد و مدرسه جامع آمل را فرموده‌اند. املاک و دکانین مشروحه ذیل المسطور را، وقف کرده‌اند

که همه ساله منافع و عواید ملکی آن را، بعد از وضع قیمت حصیر و تعمیرات و روشنائی و اجرت خدام و مؤذن، صرف مخارجات سلسله جلیله آقایان طلاب عظام - که در مدرسه مرقومه تحصیل می‌کنند - بنمایند و تولیت آن را مرجوع نموده‌اند به اصلح و ارشد و احسن از اولاد خود، نسلاً بعد نسل، و در این اوان به تصویب عموم حضرات آقایان مشائی، تولیت مرجوع شد به جناب عمده‌التجار و الاشراف، مشهدی آقا محمدحسن، خلف مرحوم مبرور آقاعیسی مشائی که از طبقات مرحوم واقف است در هذه السنه [ناخوانا] ۱۳۲۹ جناب مستطاب نتیجه العلماء والمجتهدین آقای میرزا عبدالحسین [ناخوانا] حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین الحاج آقا حاجی شیخ عبدالحسین نوری - مد ظله‌التعالی، متع الله المسلمین بطول بقائه - از طرف وزارت به ریاست معارف و اوقاف آمل و لاریجان نور و کجور منصوب گردید.

از جناب متولی مرقوم، مدارک راجعه به املاک موقوفه در این ورقه را مطالبه فرموده، به جواب اظهار داشت وقفنامجاتی که صدور آن از واقفین مرحومین بوده، در سنه حریق بزرگ آمل، محروق واقع شد و بعد فهرست املاک موقوفه را در ورقه ثبت و درج نموده‌اند، چون شامل به دکانین جدید البنا نبوده، فلذا تمامت املاک موقوفه را در این ورقه مذکور داشته و مستدعی است در حضور مبارک حجج اسلامیة آمل و لاریجان - دامت افاضاتهم - و نیز از آقایان عظام از علما و مروجین احکام شریعت مقدسه و اعظام و اشراف و محترمین از طایفه مشائی آملی که اطلاعات خود را مطابق موقوفات مزبوره و نیز تولیت آقای محمدحسن مرقوم به خطوط مبارکه و به ختام شریفه، مزین و مختوم فرمایند تا در موقع حاجت، حجت بوده، بدیهی است [ناخوانا] علو مقامات [ناخوانا] مقدسه و باعث خشنودی حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین - سلام الله علیهم اجمعین - خواهد شد.

املاک موقوفه، از قرار مشروحه در ذیل است؛ ۱۴ شهر جمادی‌الثانیة [ناخوانا] ۱۳۳۹ [۱۳] مرتعین مدعوین [ناخوانا] از یک سه دانگ واقعتین



۴۳

روایتی از امام رضا علیه السلام است که در آن آمده است که هر که در روز شنبه از خانه بیرون آید و در راه از کسی بگذرد و سلام بگوید و اگر جواب نگیرد و از او بیخود بگذرد و در خانه نماند و در راه از کسی بگذرد و سلام بگوید و اگر جواب نگیرد و از او بیخود بگذرد و در خانه نماند...

رونوشت ریز موقوفات مسجد و مدرسه اهل حلی و وراثت مشائی و برقرن
مازندران امل کلاسه ازشیو ۲۵۵

۴۴

روایتی از امام رضا علیه السلام است که در آن آمده است که هر که در روز شنبه از خانه بیرون آید و در راه از کسی بگذرد و سلام بگوید و اگر جواب نگیرد و از او بیخود بگذرد و در خانه نماند...

رونوشت ریز موقوفات مسجد و مدرسه اهل حلی و وراثت مشائی و برقرن
مازندران امل کلاسه ازشیو ۲۵۵

۴۵

روایتی از امام رضا علیه السلام است که در آن آمده است که هر که در روز شنبه از خانه بیرون آید و در راه از کسی بگذرد و سلام بگوید و اگر جواب نگیرد و از او بیخود بگذرد و در خانه نماند...

رونوشت ریز موقوفات مسجد و مدرسه اهل حلی و وراثت مشائی و برقرن
مازندران امل کلاسه ازشیو ۲۵۵

وقفنامه مسجد و مدرسه آقاباس

مدرسه علمیه و کتبخانه مشهوره
 اصفهان
 کتابخانه مشهوره
 اصفهان
 (مجموعه ۱۲)

۱۷-۴
 (۱۲)

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a collection of letters. The text is dense and covers most of the page. There are several distinct sections or paragraphs, some starting with large initial letters. The handwriting is cursive and characteristic of the Qajar or Reza Shah era.

رونوشت عربی و حکم شریعی در خصوص مسقط و مدرسه مشهور به آقا
 عباس آقا محمد شاهرخ و آقا میرزا محمد مؤلفان این کلامه از شهر ۱۲۰۷



در محل تترستاق از واقفین حاجی وشتاسب و برادر و برادرزادگانش مصرف بعد از وضع تعمیرات مدرسه و مسجد مزبورین در فوق و روشنائی و حصیر و اجرت خدام و مؤذن مازاد مصرف آقایان عظام طلاب که در آن مدرسه تحصیل می کنند.

قریه کرسه رز من محال اهل مرستاق من بلوک امل مازندران ششدانگ واقف مرحوم حاجی علی ثانی مشائی به امضای چهار نفر به برادرانش و هم مرحومین آقا ابوالقاسم خان و آقا تقی و حاجی صادق و حاجی احمد مصرف بعد از وضع تعمیرات و روشنائی و اجرت خدام و مؤذن مازاد مصرف آقایان طلاب که در آن مدرسه تحصیل علوم حقه می کنند.

مراتع کلوم سرور از دره اسفید بند و ابرقو به انضمام من محال تترستاق نور از واقفین مرحومین حاجی وشتاسب مشائی و چهار نفر از برادرانش و حاجی گرشاسب و حاجی محمد علی و حاجی صالح و حاجی ابراهیم طاب تراهم مصرف از قراری است که در فوق مذکور است و ایضاً [ناخوانا] از هر یک یکدانگ واقف کربلائییه صبیبه خاتون^۲ بنت مرحوم حاج علی ثانی مصرف منبر مسجد جامع و مجمع آقایان طایفه مشائی تولیت با اولاد واقفه و خانواده مرحوم حاج علی ثانی. مرتع موسوم به تجن و رودبار تجن ششدانگ واقف مرحوم حاجی وشتاسب و برادر و برادرزادگانش مصرف از قرار مرقوم در فوق است که واقع است در [ناخوانا] تترستاق نور [ناخوانا] مقابل سیاه بیسه ششدانگ واقف مرحوم آقا محمد حسن مشائی مصرف از قرار فوق است،

لوتوک من مراتع تا کر نور یک بخته از دوازده بخته که نیمدانگ از شش دانگ واقف نوری مصرف از قرار مرقوم در فوق است، صورت موقوفات از دکانین که از عواید و منافع ملکی آن در قرار مفصله در فوق است، فی ۱۴ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۹ دکان ۳۹ و ۳۷ دو باب واقف مرحوم حاجی بزرگ مشائی - غفره الله تعالی -

۲ دکان مقابل زرگری جنب دکان صباغی نیم باب

واقف مرحوم آقا مصطفی قلی مشائی
۳ دکان روبه روی کوچه مسجد آقا عباس نیم باب
واقف مرحوم آقا محمدحسن مشائی است.
۴ دکان ۷ وصل به دکان ۹ یک باب واقف مرحوم آقا قربان مشائی است

[یا] دکان ۵ وصل به دکان ۷ یک باب واقف مرحوم آقا ابوالقاسم مشائی است
۶ دکان ۳ وصل به ۵ یک باب واقف مرحوم آقا ابوالقاسم مشائی مصرف از قرار مرقوم در فوق
۷ دکان ۱ وصل به دکان ۳، ۲/۵ دانگ واقف مرحوم آقا ابوالقاسم مشائی - علیه الرحمه -
۸ دکان ۷۷ مقابل به دکان ۸۰ یک باب واقف مرحوم آقا محمد حسن مشائی طاب ترا
۹ دکان ۵۱ وصل به کوچه هراز یک باب واقفه مرحوم فاطمه خانم، والده آقا محمد حسن مشائی - غفرالله تعالی
[ناخوانا]

[سند شماره ۲]:

۱۰ دکان چهار سوق مقابل دکان خبازی ۹۶ شراکت با ورثه مرحوم حاجی غلامرضا نیم باب واقفه فاطمه خانم، والده آقا محمدحسن مشائی
۱۱ دکان ۴۵ واقعه در بالا [ی] میدانچه دو دانگ واقف مرحوم امیر عنایت الله شاهاندشتی - رحمت الله علیه -
۱۲ دکان واقعه در هارون محله امل وصل به عمارت حضرت آقای آقا میرزا محمد باقر مجتهد یک باب واقف مرحوم آقا محمد قلی بزرگ مشائی
۱۳ دکان ۱ واقعه در نوراسته یک باب واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی ساخته مشهدی آقا محمدحسن مادامی که ساخته باقی است، کرایه نصف
۱۴ دکان ۳ وصل ۱ در نوراسته واقف آقا عبدالحسین مشائی ساخته مشهدی آقا محمدحسن مادامی که ساخته باقی است کرایه تنصیف
۱۵ دکان ۴۰ وصل مغازه آقای آقا عبدالله واقف مرحوم حاجی علی بزرگ مشائی - رحمت الله علیه - مصرف از



قراری است که کراراً مرقوم شد

۱۶ یک باب دکان نمد مالی ۱۶ و ۱۴ جنب کوچه مسجد آقا عباس دو باب واقف مرحوم آقا مصطفی قلی مشائی طب ثراه

۱۷ دکان ۷۲ جنب کوچه مسجد جامع یک باب واقف مرحوم حاجی مهدی بزرگ مشائی

۱۸ دکان ۷۱ وصل ۷۲ یک باب واقف مرحوم حاجی مهدی بزرگ مشائی - [ناخوانا] الله تعالی فی جناته -

۱۹ و دکان ۶۸ وصل به دکان ۷۰ یک باب واقف مرحوم حاجی مهدی بزرگ مشائی

۲۰ دکان کوچک ۵۳ یک باب واقف مرحوم آقا عیسا طب ثراه

۲۱ دکان خرابه وصل ۱ به تیمچه خرابه - نیم باب واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی

۲۲ تیمچه خرابه مرحوم آقا سید حسین عطار دکان آقای مقدس نیاکی طرف غربی وصل به باغ تا دیوار مسجد جامع و خود باغ پشت مسجد دکان مرقوم را - اگر ساخته - کرایه نصف واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی

۲۳ دکان وصل ۳ یک باب واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی ساخته مشهدی آقا محمدحسن

۲۴ مغازه ساخته آقای حسین آقا نیاکی دوباب واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی مادامی که ساخته باقی است، عواید و منافع تنصیف خواهد بود

۲۵ دکان ۱۱ وصل به مغازه ساخته مرحوم کربلایی ابراهیم مشائی که به موجب ورقه علیّه^۳ انتقال به آقای مشائی داده است ۳/۵ دانگ کرایه باید به مصرف وقف برسد. بقیه، مال مالک است

۲۶ دکان ۱۳ وصل به دکان ۱۱ یک باب ساخته آقا سیدعلی اصغر مشائی زمینه مادامی که ساخته باقی است، عواید بالمناصفه واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی

۲۷ باغچه پشت مسجد جامع شش دانگ واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی

۲۸ دکان ۳۷ جنب درب مسجد یک باب واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی ساخته دائی جان محمد علی آملی

مادامی که ساخته باقی است عواید بالمناصفه

۲۹ دکان ۳۰ وصل مسجد یک باب واقف مرحوم آقا عبدالحسین مشائی ساخته ورثه مرحوم الحاج حاجی حسین آملی مادامی که ساخته باقی است کرایه تنصیف

۳۰ سه باب دکان جنب شرقی مسجد جامع واقف مرحوم الحاج حاجی گرشاسب مشائی ساخته آقا محمدحسن از منافع موقوفات

حریم طرف شرقی مسجد شش دانگ وصل به دواخانه آقا سید عباس نیاکی واقف مرحوم آقا گرشاسب مشائی مصرف جمع از قرار این است:

که مرقوم شد - رحمت الله علی الواقفین و الناظرین - مقام مقدس آقایان حجج اسلامیه آمل و لاریجان -

ادام الله تعالی بطول بقائهم - را مصادعت می نماید آن که احیای وقف لازم و واجب. فلذا آن ذات مقدسه، اطلاعات خود را به مراتب مزبوره در فوق به خطوط شریفه مرقوم به ختام مبارکه مزین و مختوم فرمایند و خدمت آقایان علما و فضلا و مروجین شریعت غرا و اشراف و بزرگان و محترمین از طایفه مشائی - دامت اجلالهم - تصدیع می دهد که اطلاعات حقه خود را در امور موقوفه و نیز متولی بودن جناب آقا محمدحسن را در این ورقه مرقوم فرمائید تا املاک موقوفه آبا و اجداد شما، بلامعارض و داخل در املاک ملکی شود. والسلام علی من اتبع الهدی، و کان و قوع التحرير، فی ۱۴ شهر جمادی الثانی هزار و سیصد و سی و نهم از هجرت نبویه [ناخوانا] ۱۳۳۹.

بسم الله تعالی. املاک موقوفه و دکاکین از قراری که در فوق مرقوم شد، بلازیاد و نقصان صحیح است. متولی بودن جناب مشهدی آقا محمدحسن تاجر مشائی، صحیح و معتبر است [ناخوانا] ابولقاسم مطلق ۱۳۳۹ محل مهر لا اله الا الله، الملك الحق المبين، عبده ابوالقاسم. محل امهار مشائی یا حسن بن [ناخوانا] یا ابوالقاسم عبده [ناخوانا] لاتخف یا موسی [ناخوانا] محمدنقی - حاجی آقا - محمدحسن - محمد بن محمود - علی - یا علی اکبر - عبد [ناخوانا] احمد حسن بن [ناخوانا] عبد [ناخوانا] محمد مهدی، آقا ارباب [ناخوانا] محل مهر جعفر بن موسی. بسم



فوت آن مرحوم، با رشد اولاد آن مرحوم، بطناً بعد بطن، نسلاً بعد نسل، مفوض و مرجوع داشته از زمان وقف تاکنون - که هزار و سیصد و یازده می‌باشد - از ید ارشد اولاد آن مرحوم خارج نشده، طبقه اولاد ارشد [ناخوانا] - که جناب فضایل مآب ملحمه العلماء العظام آخوند ملاعلیخان قادی می‌باشد - فی الجمله درباره او گفتگوئی حاصل شد، محتاج شد مرجوع وقفنامه چه پس از ملاحظه وقفنامه چه با دقت و غوررسی در آن، با ملاحظه فتاوی عزیزمان از علمای خاصه از جناب آقا حجت‌الاسلام نایب الامام حاجی [ناخوانا] - ادام الله بقائه - که در دست است، معلوم شد گفتگوئی با جناب آخوند ملاعلیخان بی وجه بود. مع ذلک کله بناء الاحتیاط و نظر با [ناخوانا] امکان اوتی [؟] فی [ناخوانا] به اذن جناب آخوند ملاعلیخان ولد ارشد ایشان، جناب ملا ابوالحسن مداخله در اعیان موقوفه و مصارف او ننماید و طمع جمع چنین اقتضائی کرده و بعض از علما در عمل او هر ساله نظری داشته باشند، پس از سرایت مذکوره مسطوره بدون اذن والد و ولد، احدی را نمی‌رسد در اعیان موقوفه و مصارف آن مداخله نماید [ناخوانا] فی شهر رمضان مبارک ۱۳۱۱.

[حاشیه بالا وسط]: بسم الله تعالى شأنه

بلی نظر به وقفنامه مقرر - که مشاهده شده است - عالیجناب ملا ابوالحسن فرزند جناب آخوند ملاعلیخان - که ارشد اولاد است - متولی است برحسب حبس و قرارداد واقف متولی مزبور، لازم و مقتحم است برحسب وقفنامه عمل نماید و احدی حق مزاحمت ندارد [ناخوانا] الاحقر فی شهر رمضان مبارک ۱۳۱۱، ملاجونى (جانعلی)، ملاجونى (جانعلی) [مهر:] یا یوم لا تخف

[حاشیه بالا چپ]: بسم الله هو خیر الاسما

بعد از ملاحظه وقفنامه مقرر معتمده مضمون کتاب فی البدایه و النهايه، موافق حبس و قرار داد واقف است و تخلف از مضامین وقفنامه در این ورقه حسب المضمون موافق است با قرار داد واقف جایز نیست و انا [ناخوانا] فی شهر رمضان مبارک ۱۳۱۱، [مهر:] الحق مع العلی و علی مع الحق.

الله تعالى. وقف بودن املاک مرقومه دکاکین مسطوره و نصب متوالی مرقوم از طرف حکام شرع، صحیح و عمل بر طبق آن [ناخوانا] انا المسکین الفانی، محمدصادق لاریجانی [ناخوانا] رجب ۱۳۳۹ محل مهر محمد صادق، بسم الله تعالى شأنه. وقف بودن املاک مزبور و دکاکین معینه و تعیین متولی و تصدیق علمای عظام و بزرگان از طایفه مشائی، صحیح و واجب العمل می باشد. فی [ناخوانا] رجب الآخر سنه ۱۳۳۹ و انا الفانی، محمدباقر لاریجانی، فی محل مهر محمدباقر.

بسم الله الرحمن الرحيم و الدهر کما رقم به تاریخ جمادی الثانی ۱۳۳۹. محل مهر عبدالکریم.

[سند شماره ۳]:

بسم الله الرحمن الرحيم - مذکور در این ورقه صحیح و واجب العمل می‌باشد. کتبت هذه الکلمات، فی ثانی شهر رجب من السنه المذكوره [ناخوانا] علی نفسه عبدالحسین الموسوی. بسم الله خیر الاسما [ناخوانا] سطر من و صواب لدی الاقل فی الدول الی الآخر بلاشک و ارتیاب ۳ شهر رجب المرجب ۱۳۳۹. سواد، مطابق با اصل است. عباس طاهری، مهر دفتر اوقاف آمل سواد، مطابق اصل است که اصل آن، نزد محمدحسن مشائی است.

[مهر]: دفتر اداره معارف و اوقاف آمل و لاریجان

اسناد استنساخ شده از مسجد و مدرسه آقاعباس

[سند شماره ۱]:

مخفی و مستور نماد که مسجد و مدرسه مشهور به [آقا] عباس، واقعه در شهر آمل، در سنه هزار و یکصد و چهل و چهار وقف شده و واقف آن، مرحوم مغفور آقا محمد شاهرخ و مرحوم آقا میرزا محمد پریشان تولیت و تدریس آن [ناخوانا] واقفان مذکوران تفویض به مرحوم مقدر خلد آشیان آخوند ملا محمد صالح لاریجانی نموده‌اند و بعد از



[حاشیه بالا چپ]: بسم الله المرسلین

نظر به ملاحظه وقفنامه مقرر مستمر من البدو الی الختم موافق به حبس و قرار داد واقف و حکم علما - اعلمهم [ناخوانا] - جناب فضایل و معارف آداب شیخ ابوالحسن مرقوم در ورقه متولی است و خلاف آن، جایز نخواهد بود [ناخوانا]

الاحقر ۱۳۱۱ [مهر]: حسن ابن ا [ناخوانا] علی

[حاشیه بالا چپ]: نظر به ملاحظه و قرائت وقفنامه من البدو الی الختم و موافق حکم علمای اعلام و فقهای کرام و مجتهدین [ناخوانا] العظام جناب مستطاب ملا ابولحسن فرزند [ناخوانا] زین الافاضل و الاحسان آخوند ملا علیخان - که ارشد اولاد است - متولی مسجد و مدرسه قبضه - که مشهور به مسجد [آقا] عباس می باشد - [ناخوانا] حبس و قرارداد واقف [ناخوانا] است. مورخه ۱۳۱۱، [مهر]: یا عزیزالله

[حاشیه بالا راست]: بعد از ملاحظه وقفنامه مقرر مضمون کتاب، موافق با حبس و قرارداد واقف است و جناب ملا ابوالحسن - که ارشد اولاد جناب ملا علیخان است - متولی به حبس واقف است تخلف [از] آن شرعاً جایز نمی باشد. [مهر]: و رفعنا مکاناً علیاً، عبده حاجی [ناخوانا]

[حاشیه بالا راست]: مضمون کتاب حق و صدق و صواب ۱۳۱۱ (پیرو دین نبی محمدحسین). بلی نظر بر مضمون بلاغت مشحون، وقفنامه صحیحه مقرر من البدو الی الختم موافق به حبس و قرارداد واقف و حکم علمای اعلام جناب فضایل و معارف آداب شیخ ابوالحسن مرقوم در ورقه متولی است و خلاف [آن] جایز نخواهد بود. ۱۳۱۱، [مهر]: یا علی

[حاشیه بالا راست]: بسم الله تعالی شأنه

بلی نظر به وقفنامه مقرر - که ملاحظه شد - باید به اذن و اجازه جناب مستطاب آخوند ملا علی جان یا جناب فضایل مآب ملا ابوالحسن ولد ایشان باشد و چون این به حبس و قرارداد واقف است، تخلف [از] آن شرعاً جایز نیست. والسلام. [مهر]: من بعد اسمه احمد [حاشیه پائین راست]: بسم الله خیر الاسما بلی نظر به وقفنامه [ناخوانا] - که در دست جناب

مستطاب آخوند ملاعلیخان فعلاً موجود است - این [ناخوانا] آقایان عظام قرار دادند و جناب آخوند ملا ابوالحسن را متولی قرار دادند، موافق و مطابق وقفنامه می باشد.

[مهر]: رفعنا مکاناً [ناخوانا]

[حاشیه پائین راست]: بر حسب قرارداد [ناخوانا] جنابان مستطابان [ناخوانا] شیخ ابوالحسن برقرار است به قرارداد مذکور به تاریخ شهر شوال ۱۳۱۱، [مهر]: محمدامین عباسقلی

[حاشیه بالا وسط]: هو المستعان

مضمون کتاب موافق الاحتیاط و الصدق و الصواب انا اقل خدمته الشرع المستطاب فی ۱۳۱۱ [مهر]: ابوطالب الموسوی.

[حاشیه بالا وسط]: هو المستعان

مضمون کتاب موافق به وقفنامه است. امر تولیت به حبس و قرارداد واقف حق طلق و طلق حق عالیجناب فضایل مآب ملا ابوالحسن ولد ارشد آخوند ملا علیخان است. تخلف [از] آن خلاف شرع است [ناخوانا] ۱۳۱۱، [مهر]: ابوالقاسم [حاشیه بالا وسط]: مضمون کتاب موافق به وقفنامه است و لذا عالیجناب فضایل مآب آخوند ملا ابولحسن - که اولاد ارشد آخوند ملاعلیخان است - متولی است با حبس و قرارداد واقف. مرتکب غیر این، خلاف شرع است. [مهر]: بها الدین

[حاشیه بالا وسط]: مضمون کتاب حق و صدق و صواب است لاشک فيه ۱۳۱۱، [مهر]: توکل علی الله محمدعلی، مضمون کتاب موافق به اصل وقفنامه. لذا عالیجناب ملا ابولحسن با حبس و قرارداد واقف متولی بلاعزل است. غیر این، شرعاً جایز نیست. مورخه ۱۲۱۱، [مهر]: عبده عبدالوهاب

[سند شماره ۲]:

چون سنه ماضیه [ناخوانا] سال ۱۳۳۵ اکثر از مساجد و ابنیه آمل طعمه حریق گردید، به آنچه تاریخ نظیرش را نشان نداد، من جمله مسجد مرحوم آقا عباس طعمه حریق بدبخت شده، چون مسجد مزبور بلده طیبه آمل، یکی از بنای قدیم به شمار می رود و مختصر موقوفاتی که

متعلق به مسجد مزبور است، وقفنامجات در دست و موجود نیست، علیهذا محض رضای اداره محترم اوقاف امل، این مختصر ترتیب داده شد که موقوفات مسجد مزبور، در ذیل درج شده، هم اداره محترم اوقاف ثبت نماید و نیز این ورقه به تمبر و مهر و امضای اداره رسیده، در نزد متولی مسجد مسطور ضبط باشد که در هیچ عصر، کسی نتواند املاک موقوفه مزبور را طمع نمایند و یا ادعای ملکیت نمایند و [ناخوانا] به واسطه ترتیب فوق الذکر در هر عصر موقوفات مزبور حیف [و] میل نخواهد شد و موقوفات از قرار ذیل است که هریک به اسم توضیح داده می شود.

دکان مسکونی کربلائی غلام املی، واقع در پیش تکیه مشائی، دکان آقا ابوالحسن مرحوم حاج سید غلامعلی نیاکی، دکان مسکونی مشهدی علی متصل به مسجد مزبور، یک باب دکان سلمانی متصل به درب مسجد که فعلاً مخروبه می باشد، یک باب دکان مسکونی استاد ابراهیم متصل به دکان سلمانی مزبور، یک باب دکان مسکونی استاد عبدالعظیم واقع در چهارسوق، یک باب دکان مشهدی علی اصغر آهنگر، یک باب دکان مسکونی مشهدی علی اکبر امیر دودانکی، یک باب ندارد [ناخوانا] ندارد، مرتع کنک واقع در دهلارستاق یک تالار، خور تاب سرا واقع در دنیلارستاق یک تالار [ناخوانا] باج به متولی بدهند، مزرع و مرتع [ناخوانا] واقع [در] پائین بلده امل قریه قرق شش دانگی، مرتع واقع در کدوک فی محل قشلاقی [ناخوانا] موسوم است به وقفیات، قریه نوسا مشهور [ناخوانا] ۳ سال سه تومان می دهند، ۳ سال نیم سالی چهار تومان می دهند، ندارد [ناخوانا] ندارد.

مستدعی است که حضرات حجج الاسلام و نواب امام - علیه السلام - ذیل این ورقه را مرقوم و مختوم فرمایند تا موقوفات مزبور، در هیچ عصر و قرن حیف و میلی نشود. به تاریخ دویم شهر رجب المرجب ۱۳۳۶. توضیح آن که موقوفات مندرجه در این ورقه، فعلاً در تصرف وقف است و متولی فعلی مسجد مزبور، جناب مستطاب شیخ ابوالحسن پسر آخوند ملاعلی جان دنیلارستاقی لاریجانی است، به تاریخ فوق.

[حاشیه بالا وسط]: تاریخ ۵ برج ثور ۱۳۳۶ [ناخوانا] در

دفتر اوقاف امل ثبت شد. امین اوقاف امل [ناخوانا] (اداره اوقاف امل [ناخوانا])

[حاشیه بالا چپ]: بلی در وقف بودن املاک و دکاکین و به عمل کردن و متولی بودن جناب مستطاب ملا ابوالحسن، شبهه ندارد. (حسین ابن [ناخوانا])

[حاشیه بالا چپ]: در وقف بودن املاک و دکاکین مسطور به متن و عمل کردن به وقف و متولی بودن ملا ابوالحسن لاریجانی دهلارستانی، شبهه و [ناخوانا] ندارد. (یا محمد) [ناخوانا]

[حاشیه بالا راست]: ثبت دفتر وقفنامجات امل، عبدالحسین آسوری، محل مهر (اداره اوقاف امل)، ۱۲۹۹، ۷ [حاشیه وسط راست]: مقابله، صحیح است. [امضا: [ناخوانا]]

[حاشیه بالا چپ]: بلی این از جمله معلومات بدانچه در ورقه درج شد، شبهه ندارد. (محمد باقر)

[حاشیه پائین وسط]: سواد، مطابق اصل است که اصل آن، نزد اینجناب شیخ ابوالحسن دلارستانی ضبط است. [مهر: ابوالحسن]

[حاشیه پائین چپ]: بسم الله الرحمن الرحيم
 کون الاعیان [ناخوانا] موقوفه علی المسجد المزبور و کون الجناب شیخ ابوالحسن به تولیت له تماماً بدایتاً ثوب [ناخوانا] و لا یفار تمارین الریب و انا الاحقر ([اللهم صلی علی محمد و ال محمد] [حاشیه پائین راست]: بسم الله تعالی، از ضروریات است که املاک [ناخوانا] از موقوفات مسجد آقاعباس و مدارس است در بلده امل که فعلاً مخروبه می باشد و در ید متولی مذکور می باشد او شیخ ابولحسن ابن آخوند ملاعلی خان فی عشر شهر رجب المرجب و انا الاحقر [ناخوانا] محل مهر (عبده احد).



جدول شماره ۱: فهرست دکان‌های موقوفه مسجد و مدرسه جامع آمل

ردیف	رقبه	محل وقوع رقبه	واصف	موقوفات	تعداد	سال	موارد مصرف
۱	مسجد و مدرسه جامع آمل	مشانی محله	حاجی بزرگ مشانی	دکان ۳۷ و ۳۹	دو باب	۱۳۳۹	بعد از وضع تعمیرات مدرسه و مسجد مزبور برای مخارج روشناسی، حصیر، اجرت خدایم، مؤذن و طالبان مدرسه
۲	"	"	آقا مصطفی قلی مشانی	دکان مقابل زرگری جنب دکان صیاهی	نیم باب	"	-
۳	"	"	آقا محمد حسن مشانی	دکان رو به روی کوچه مسجد آقا عباس	نیم باب	"	-
۴	"	"	آقا قربان مشانی	دکان ۷ متصل به دکان ۹	یک باب	"	-
۵	"	"	آقا ابوالقاسم مشانی	دکان ۵ متصل به دکان ۷	یک باب	"	-
۶	"	"	آقا ابوالقاسم مشانی	دکان ۳ متصل به دکان ۵	یک باب	"	-
۷	"	"	آقا ابوالقاسم مشانی	دکان ۱ وصل به دکان ۳	چهار دانگ و نیم	"	-
۸	"	"	آقا محمد حسن مشانی	دکان ۷۷ مقابل دکان ۸۰	یک باب	"	-
۹	"	"	فاطمه خاتم والده محمد حسن مشانی	دکان ۵۱ وصل به کوچه هرلز	یک باب	"	-
۱۰	"	"	ورثه مرحوم حاجی غلامرضا آملی، فاطمه خاتم والده آقا محمد حسن مشانی	دکان چهارسوق مقابل دکان خیابانی ۶۹	نیم باب	"	-
۱۱	"	"	امیر عنایت الله شاعراندهشی	دکان ۴۵ واقع در بالا میدانچه	دو دانگ	"	-
۱۲	"	"	حاجی محمد قلی بزرگ مشانی	دکان واقع در فرقه هارون محله	یک باب	"	-
۱۳	"	"	عبدالحسین مشانی	دکان ۱ واقع در نوراسته	یک باب	"	-
۱۴	"	"	"	دکان ۳ وصل به ۱ در نوراسته	یک باب	"	-





۱۵	"	"	حاج علی بزرگ مشانی	دکان ۴۰ وصل به مغازه آقا عبدالله	یک باب	-
۱۶	"	"	آقا مصطفی قلی مشانی	دکان نمدمالی ۱۶ و ۱۴ جنب کوچه مسجد آقا عباس	چند باب	-
۱۷	"	"	حاجی مهدی بزرگ مشانی	دکان ۲۷ جنب کوچه	یک باب	-
۱۸	"	"	"	دکان ۷۱ وصل به دکان ۷۲	یک باب	-
۱۹	"	"	حاجی مهدی بزرگ مشانی	دکان ۶۸ وصل به دکان ۷۰	یک باب	۱۳۳۹
۲۰	"	"	آقا عباس	دکان کوچک ۵۳	یک باب	-
۲۱	"	"	عبدالحسین مشانی	دکان خرابه متصل به ۱ نیمچه خرابه	نیم باب	-
۲۲	"	"	"	نیمچه خرابه مرحوم آقا سید حسین عطاری، دکان مقدس نیایکی طرف غربی و وصل به باغ تا دیوار مسجد جامع و خود پشت جامع دکان مزبور	نیم باب	-
۲۳	"	"	"	دکان وصل به ۴	یک باب	-
۲۴	"	"	"	مغازه ساخته آقا حسین آقا نیایکی	دو باب	-
۲۵	"	"	آقا حسن مشانی	دکان ۱۱ وصل به مغازه ساخته مرحوم کریمانی ابراهیم مشانی	سه دانگ و نیم	-
۲۶	"	"	عبدالحسین مشانی	دکان ۱۳ وصل به دکان ۱۱	یک باب	-
۲۷	"	"	"	دکان ۳۷ جنب درب مسجد	یک باب	-
۲۸	"	"	"	دکان ۳۰ وصل به مسجد	یک باب	-
۲۹	"	"	حاجی گرشاسب مشانی	دکان جنب شرقی مسجد جامع	۴ باب	-
۳۰	"	"	"	حریم طرف شرقی مسجد وصل به دوخانه آقا عباس نیایکی	شش دانگ	-

جدول شماره ۲: فهرست مراعات و املاک وقف شده بر مسجد و مدرسه جامع آمل

ردیف	رقبه	محل وقوع رقبه	واقف	موقوفات	تعداد	سال	موارد مصرف
۱	مسجد و مدرسه جامع آمل	مشانی محله	حاجی و شناسب و برادر و برادرزاد گانش	مراعات موسوم به تهن رودبار تهن گنه واقع است در مقابل ترستاق نور	شش دانگ	۱۳۳۹ قمری	بعد از وضع تعمیرات مدرسه و مسجد جامع و روشانی و حصر و اجرت خدام و مؤذن مازاد مصرف آقایان عظام طلاب که در آن مدرسه تحصیل می کنند
۲	-	-	آقا محمد حسن مشانی	...مقابل سیاهپشه	شش دانگ	-	
۳	-	-	واقف نوری	لوتوک من مراعات ناگر نور یک پنجه از دوازده پنجه	نیم دانگ از شش دانگ	-	
۴	-	-	حاجی و شناسب برادر و برادرزاد گانش	مرتعان واقع در ترستاق	سه دانگ	-	
۵	-	-	حاجی و شناسب مشانی و چهار نفر از برادرانش، حاجی گرشاسب، حاجی محمد علی، حاجی صالح و حاجی ابراهیم	مراعات کلوم سرور از دره اسفید بند و ارفو به انضمام ... من محال ترستاق نور	-	-	
۶	-	-	حاجی علی ثانی مشانی	قریه گرمه رز من محال اعلمرستاق	شش دانگ	-	



جدول شماره ۱: فهرست دکان‌های موقوفه مسجد و مدرسه آقاعباس

ردیف	رقبه	محل وقوع رقبه	والتف	موقوفات	تعداد	سال	موارد مصرف
۱	مسجد و مدرسه آقاعباس	کاردرگرمحله	کریم‌الله غلام‌آملی	دکان مسکونی واقع در پیش نکیه مشائی	-	۱۳۳۶ قمری	-
۲	-	-	ابوالحسن مرحوم حاج سید غلام‌آملی	دکان	-	-	-
۳	-	-	مشهدی علی متصل به مسجد مزبور	دکان مسکونی	-	-	-
۴	-	-	-	دکان مسلمانان متصل به درب مسجد که فعلاً مخروبه می‌باشد.	پنک باب	-	-
۵	-	-	استاد عبدالعظیم	دکان مسکونی واقع در بازار چهارسوق	-	-	-
۶	-	-	مشهدی علی اصغر آهنگر	دکان	-	-	-
۷	-	-	مشهدی علی اکبر نمبر دودانگی	دکان مسکونی	-	-	-

جدول شماره ۲: فهرست مراتع موقوفه مسجد و مدرسه آقاعباس

ردیف	رقبه	محل وقوع رقبه	والتف	موقوفات	تعداد	سال	موارد مصرف
۱	مسجد و مدرسه آقاعباس	کاردرگرمحله	-	مرتع کتک واقع در دهلازستان	پنک نالار	۱۳۳۶ قمری	-
۲	-	-	-	خورتاب سرا واقع در دهلازستان	پنک نالار	۱۳۳۶ قمری	-
۳	-	-	-	مزرع و مرتع واقع در پائین بلده آمل قریه شش دانگی	-	-	-
۴	-	-	-	مرتع واقع در کندوک...	-	-	-



پی‌نوشت‌ها:

۱. واژه خفنگ، هنوز در هیچکدام از فرهنگ‌های کنونی داخل نشده است. (سوری - ویراستار)
۲. اصل: خواتون.
۳. به نظر می‌آید، ورقه علیحده درست باشد! (ویراستار)

کتابنامه:

- ابن اسفندیار کاتب، بهاء‌الدین محمدبن حسن. (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. عباس اقبال، محمد رضانی (مصححان). تهران: پدیده خاور.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۶۶). صورة الارض، جعفر شعار (مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی. (۱۳۴۶). تمدن ایرانی، عیسی بهنام (مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۴۷). مسالک و ممالک. ایرج افشار (کوششگر). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). مرآت البلدان (۴ ج). عبدالحسین نوائی، میرهاشم محدث (مصححان). تهران: دانشگاه تهران.
- ایاز، محمود. (۱۳۸۳). فرهنگ عوام آمل. آمل: ناشر مؤلف.
- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۷۸). تاریخ بیهقی. سیروس غنی و فیاض (کوششگران). تهران: ارغوان.
- بطروشفسکی، کارل یان و دیگران. (۱۳۶۶). تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در دوره مغول. یعقوب آژند (مترجم). تهران: اطلاعات.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب. (۱۳۶۲). منوچهر ستوده (کوششگر). تهران: طهوری.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۶۶). از آستارا تا استرآباد (ج ۴). تهران:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۷۹). شناخت شهرهای ایران. تهران: علم و زندگی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: آبی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۲). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۴). نائین، شهر هزاره‌های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شفق، سیروس. (۱۳۷۶) «وقف در اصفهان، پراکندگی جغرافیائی موقوفات و آثار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی آن در اصفهان»، فصلنامه میراث جاویدان، ۳ و ۴ (پائیز و زمستان).
- علامه، مصمصام‌الدین. (۱۳۲۸). یادگار فرهنگ آمل. تهران: تابان.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۶۵). باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: دانشگاه تهران.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۰). شهرهای ایران. (ج ۴)، صحاف.
- محمدی، محمود. (۱۳۷۹). «تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی، برنامه‌ریزی فضائی - کالبدی، راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات»، فصلنامه میراث جاویدان، ۳۰، سال هشتم (تابستان).
- مرعشی، سیدظهیرالدین بن سید نصیرالدین. (۱۳۶۳). تاریخ طبرستان، رویان و مازندران. تهران: گستره.
- مستوفی، حمدالله. (بی‌تا). نزهة القلوب. گای لسترانج (مصحح). تهران: دنیای کتاب.
- مشاور رهرو. (۱۳۸۵). طرح حفاظت و مرمت بافت قدیم آمل.
- ملگونف، عزالدین. (۱۳۶۴). سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر. مسعود گلزاری (مترجم). تهران: دادجو.
- مهجوری، اسماعیل. (۱۳۴۵). تاریخ مازندران. ساری: اثر.